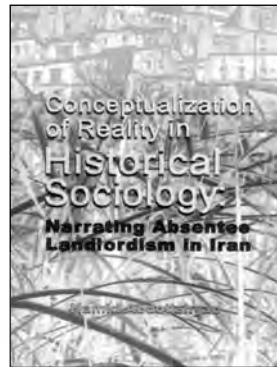


زمینداران غایب

روایتی دیگر از توسعه نیافتگی روستایی در ایران

حامد عبدی

پژوهشگر اجتماعی



- Conceptualization of Reality in Historical Sociology:
Narrating Absentee Landlordism in Iran
- Hamid Abdollahian
- 2004

تا این مناقشه به نحو روشنی منعکس شود و نشان داده شود که این مناقشه زمانی پایان می‌یابد که فصول افتراق معرفت‌شناختی و روش‌شناختی تاریخ، جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی مشخص شود. سپس کتاب به تعریف واقعیت بر این مبنا می‌پردازد که امور خارجی طبق مدل نیچه و تریگ می‌توانند به دایره شبه - واقعیت دربیایند مادامیکه از طریق معادلات ذهنی با عقل سازگار شوند. قدم بعدی را کتاب با ارائه روش‌شناسی Narratology برمی‌دارد و نشان می‌دهد که امور دور از زمان روایت‌های بیش نیستند و اطلاق واقعیت بر آنها چیزی جز فریب علمی نیست. روش‌شناسی Narratology این نقص را با تلاش برای سازگاری امور گذشته با عقل و انتقال آن به زمان حال برای علمی شدنشان برطرف می‌کند و به لحاظ معرفت‌شناختی مسئله تاریخدانان و جامعه‌شناسان را در برخورد با امور تاریخی حل می‌کند. سپس کتاب به مرور روایت‌های (Narratives) از تاریخ ایران می‌پردازد که تاکنون جامعه‌شناسان و تاریخدانان به دلیل نقائص روش‌شناختی و نظری که ماهیتاً در این دو علم وجود داشته است، آنها را نیمه کاره و در حال مناقشه رها کرده‌اند. چنین رویکردی که کتاب عرضه می‌کند نه تنها پاسخ لازم را به سه پرسش بالا می‌دهد بلکه راه را برای مطالعه جامعه‌شناسانه امر اجتماعی - تاریخی باز می‌کند. چرا که روایت‌هایی که از گذشته ایران توسط تاریخدانان و جامعه‌شناسان ارائه شده را روایت‌هایی تلقی می‌کند که باید روایت قوی‌تری بر آنها جاری شود تا زنجیره تکمیل دانسته‌های تاریخی رو به کمال بگذارد. در ادامه، کتاب از مثال‌های تاریخ ایران سود می‌جوید تا نشان دهد که می‌توان از روایت‌های دیگران و اسناد و بقایای تاریخ زمینداری ایران روایت جدیدی تولید کرد که مسئله زمینداران غایب و نقش آنان در عقب‌نگه داشتن جوامع روستایی را برجسته کند. چنین رویکردی راه را برای مطالعاتی باز می‌کند که تولید علمی را همواره در حال شدن تلقی کند.

کتاب حاضر توسط نشریه سایه روشن در سال ۱۳۸۳ با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۰۰۰ تومان منتشر شده است.
این کتاب برای مخاطب داخلی و نیز بین‌المللی تدوین شده است و به همین دلیل شامل یک بخش عام است که مواد درسی برای سطح تحصیلات تکمیلی رشته جامعه‌شناسی، توسعه، فلسفه علم و تاریخ فراهم می‌کند. در عین حال برای مطالعه در حوزه تاریخ اجتماعی نیز جنبه کاربردی دارد و به همین دلیل تجربه تاریخی ایران را به عنوان مثال برای تقویت موضع‌تئوریک خود ارائه می‌کند.
این کتاب رویکردی معرفت‌شناختی را اتخاذ می‌کند تا به چند مسئله مهم در حوزه مطالعه در تاریخ اجتماعی جوامع به شرح زیر پاسخ دهد:
۱- آیا جامعه‌شناسی تاریخی باید به شکل یک رشته جدای از رشته جامعه‌شناسی، توسعه پیدا کند؟
۲- آیا می‌توان روش‌شناسی جامعه‌شناسی تاریخی را از روش‌شناسی جامعه‌شناسی جدا دانست؟
۳- مزایای علمی این جداسازی چه خواهد بود؟

برای پاسخ به این سؤالات، کتاب از بحث درباره مفهوم واقعیت شروع می‌کند و در این خصوص فلسفه پوزیتیویسم را که جامعه‌شناسی اولیه حرکت خود را از آنجا آغاز کرد مورد نقد قرار می‌دهد. واقعیت در فلسفه پوزیتیویسم به معنای آن چیزی است که از طریق حواس پنجگانه به دایره ادراک درمی‌آید. اما کتاب به منطق نیچه رجوع می‌کند تا نشان دهد که هشتاد سال توسعه مدرنیته در حوزه تعریف واقعیت اجتماعی دچار بی‌جهتی و ابهام بوده است. اصولاً به همین دلیل همیشه مناقشه‌ای پایان‌ناپذیر میان جامعه‌شناسان و تاریخدانان برای تعیین اینکه امر تاریخی چه موقع امری جامعه‌شناسی می‌شود وجود داشته است. از این رو ادبیات گلدتروپ، آبرامز، اسکاچ‌پل، تیلی، سامرز، کالینکاس و دیگران مورد مطالعه قرار گرفته است

می‌توان از روایت‌های دیگران و اسناد و بقایای تاریخ زمینداری ایران روایت جدیدی تولید کرد که مسئله زمینداران غایب و نقش آنان در عقب‌نگه داشتن جوامع روستایی را برجسته کند

توسعه نیافتگی در واقع نتیجه توسعه شکل خاصی از روابط اجتماعی - اقتصادی میان شهر و روستا بود که خروج مازاد اضافی از اقتصاد روستایی را تسهیل می‌کرد

مدل شیوه تولید آسیایی، نهاد دولت را به عنوان نماد قدرت سیاسی مطلق معرفی می‌کند، و حال آنکه مطالعه حاضر نشان می‌دهد که دولت به عنوان یک نهاد سیاسی ماوراء ساختاری در ایران دوره ماقبل سرمایه‌داری با محدودیت‌های جدی، به خصوص در مناطق روستایی ایران تا قبل از اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ - ۱۹۶۲ میلادی) می‌پردازد.

در فصول ۳ تا ۶ نویسنده به تهیه تبیینی تاریخی از توسعه نیافتگی روستایی ایران تا قبل از اصلاحات ارضی (۱۳۴۱ - ۱۹۶۲ میلادی) می‌پردازد. با استفاده از یک برداشت تاریخی در خصوص علت خروج مازاد اضافی از اقتصاد روستایی و نتیجتاً توسعه نیافتگی روستایی ایران، ابتدا مطالعاتی را که تاکنون درباره ساختارهای تولید کشاورزی در ایران انجام گرفته، مورد آزمون و نقد نظری و روش شناختی قرار می‌دهد. در همین رابطه توضیح می‌دهد که اکثر مطالعات انجام یافته که علاقمند به شکل‌گیریهای اجتماعی ماقبل سرمایه‌داری جوامع شرقی و ایران می‌باشند یکی از سه مدل زیر یعنی مدل شیوه تولید آسیایی، مدل فئودالیسم غربی و یا مدلی را که معتقد به پایین بودن قدرت تولید روستایی است برای تبیین توسعه نیافتگی در مناطق روستایی ایران به کار می‌برند. اما عبداللہیان نشان می‌دهد که هر کدام از این سه مدل، نقائص نظری و روش شناختی ویژه‌ای دارند و در نتیجه از کفایت نظری و روش شناختی لازم برای تبیین علل توسعه نیافتگی روستایی برخوردار نیستند. سپس مدل نظری مؤلف ارائه می‌شود که بیان می‌دارد توسعه نیافتگی در واقع نتیجه توسعه شکل خاصی از روابط اجتماعی - اقتصادی میان شهر و روستا بود که خروج مازاد اضافی از اقتصاد روستایی را تسهیل می‌کرد. در ادامه مؤلف با بررسی این سؤال که آیا شکل‌گیریهای اجتماعی ماقبل سرمایه‌داری همسان (همان گونه که مدل‌های بالا پیشنهاد می‌کنند) یا متنوع و غیرهمسان (به عبارت دیگر ضرورتاً یک شیوه تولید خاص در بر آنها حاکم نبوده است) بوده‌اند، مسیری متفاوت از این مدل‌ها را برای تبیین علل توسعه نیافتگی روستایی ایران انتخاب می‌کند.

لازم به توضیح است که مدل شیوه تولید آسیایی، نهاد دولت را به عنوان نماد قدرت سیاسی مطلق معرفی می‌کند، و حال آنکه مطالعه حاضر نشان می‌دهد که دولت به عنوان یک نهاد سیاسی ماوراء ساختاری در ایران تاریخ تولید کشاورزی آن طور که نویسنده نشان می‌دهد شاهد آن بوده است که ارتباط ناقص با زمین چه به معنای زمین‌داری (landholding) تیول دار، اقطاع‌دار، دارنده سیورغال و... چه به معنای مالکیت زمین (landowning) سبب تحقق نوع ویژه‌ای از توسعه نیافتگی در ساختارهای کشاورزی ایران شد. زمینداران غایب به عنوان طبقات مسلط مازاد اضافی را از طریق دخالت در شیوه تقسیم محصول، به نفع خویش از اقتصاد روستایی خارج کردند و سبب بازتولید حداقل امکانات توسعه‌ای در تاریخ ایران شدند. این تبیین نشان می‌دهد که مسیر توسعه که بر مبنای فرضیه نقص ساختاری در اقتصاد روستایی در دهه ۱۹۵۰ میلادی انتخاب شد چرا در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به نتیجه مورد انتظار منتهی نشد.